

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۳ فبروری ۲۰۱۴

در حاشیه، عالمان دین؟

۱۵



چشم شما گواه است کاخوند فتنه خواه است
بر چشم شک نشاید این چشمه یقین است
باری امان مجوئید زین دام خوف و خون تا
اسلام در زمان است آخوند در زمین است

با نگرش مختصر به روایت های ادیان ابراهیمی به ارتباط خلقت موجودی به نام زن متوجه خواهیم شد که الله این ادیان یک نوع زن ستیزی را در مفکوره خلقت خود داشته است
مثلاً ما در داستانهای خلقت می خوانیم : حوا به جرم اغوا و فریب آدم در بهشت محکوم شده تا درد زایمان، کار شاقه و مشکل در خانه ،، درد و رنج از دوران تکلیف ماهانه را نصیب گردد و باید تحمل تسلط مرد را نیز داشته باشد ؟
محمد و سایر بنیان گذاران ادیان و به تعقیب آن دنباله روان با اتکاء به چنین مفکوره ای باور های خود را مشخص و در تطبیق آن به هر ترتیب که ممکن بوده و است می کوشند تا مرد سالاری خود را حفظ و حد اقل موجودی را زیر تأثیر و مطیع خود داشته باشد و این مردان جوامع اسلامی اند که به شکل فطری خود را مسؤل نگهداری زنان و تعیین سر نوشت شان می دانند که منبع اصلی چنین جرأت بخشیدن به مرد ها همان نزول آیات قرآنی ضد زن و احادیث محمد پیامبر اسلام و عملکرد های جناب شان می باشد،
در قرآن در چندین آیت شریف می خوانیم که مردان را بر زنان بر تری بخشیده است،
قانون مندی های ظالمانه اسلامی چنان فضای اجتماعی شهروندان سرزمین های اسلامی را احاطه نموده است تا

جزئی ترین حرکت و عمل خلاف منافع زور مندان در آن صورت نپذیرد و شرایطی را به وجود آورده اند که هیچ زنی نتواند حتی در باره حقوق خود من حیث انسان حتی تفکر هم نماید چه رسد به عمل انقلابی؟؟

این عالمان دین و غلامان شیخک های عرب در همه ساحات نفوذی خود چنان از خدا و پیامبر و حقوق انسانی زن و مرد به شکل عادلانه آن صحبت می دارند که اگر کمی به ماهیت قرآن و آیات آن توجه جدی نشود فریبکاری های این نوکران بیگانه ها به شکل مقدس آن همه جا گیر خواهد شد و به همین ملحوظ است که این رقااص های شیوخ عرب هیچ نوع انتقادی را در مورد دین شان نمی پذیرند؟

این ملا گک های ما چون از سطح دانش پائین تری بر خوردار هستند نمی توانند مثل آن دیگر زباله های تاریخ یعنی مطهری، شریعتی، مکارم و ،،،،، ده ها جانور دیگر زیاد تر به سفسطه بپیچند روی هر موضوعی که بخواهند در مساجد و یا جاهائی که مخالف شان نباشد و یا کسی هم جرأت مخالفت نکند بعد از یک سلسله عربی گفتن و صلوات به محمد مستقیماً می روند به تشریح صفات جنت و بدی های دوزخ اطاعت زن از شوهر !!؟؟

البته چند نفر شان مثل سیاف، کلب الدین، مجددی و ،،،،، که خواستار اسلام سیاسی اند در پیمانۀ بلند تر از آدمکشی و جنایت صحبت های عمده داشته بعداً به این موضوعات خورد و کوچک می پردازند

اما در مجموع همه شان فقط برای حفظ آبروی ریخته شده اسلام و خود شان زیاد تر توجه می دارند به این که نشان دهند در اسلام حقوق انسانها مساوی است؟؟؟ حقوق زن و مرد مساوی است؟؟؟ در اسلام ظلم نیست؟ بی عدالتی نیست؟ و،،،،، خلاصه اسلام نجات دهنده بشریت می باشد و بالاخره هم پیروز می شود، حضرت عیسی می آید و مهدی آخر الزمان قیافه می کشد و دجال را از بین می برند و چنین افسانه ها،

چیز بسیار جالبی که فکرم را متوجه خود ساخته است و توقع دارم هموطنان شریفم هم به آن توجه داشته باشند آن اینست: **(شیخک ها و دنباله روان شان چنین می گویند)** قرآن حجاب را برای زن فقط به خاطر عفت، اخلاق، شرف و نگهداشت زن از تعرض مردان هدایت داده است؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

من در یکی از بخش های همین سلسله نوشته ها در مورد آن روشنی انداختم که آیت حجاب برای زنان محمد در وقت (قضای حاجت) شان در مدینه نازل شد، چون محمد حسادت عجیبی نسبت به زنهایش داشت این آیت را نازل کرد که در عین انجام رفع حاجت کسی بدن آن خانمها را نبیند و در ادامه همان آیت گفته شده است که حجاب برای فرق نمودن **زن آزاد از کنیز** می باشد!!!!!!؟؟

و بر کنیز حجاب لازم نیست!!!!!!؟؟

حال از آن جانوری که به نام عالم دین می گوید حقوق زن و مرد در اسلام مساوی است می پرسم حقوق مرد با کدام زن مساوی است؟؟؟؟؟ قرآن و محمد زن کنیز را انسان نمی داند؟ زن نمی داند؟؟ می گوید او عفت ندارد؟ شرف ندارد؟ و عزت هم ندارد؟؟ حال تو رقااص شیوخ عرب به من و به تمام هموطنانی که این نوشته را می خوانند بگو: فرق جسمی و ساختمان بدنی زن کنیز و زن آزاد چیست؟؟؟؟؟ چه چیزی در وجود زن آزاد است که در وجود زن کنیز نیست؟؟؟ که آن یکی با پوشیدن حجاب شرفش حفظ گردد و این دیگری مورد تجاوز قرار گیرد؟؟؟؟ فقط یک دلیل؟؟؟؟

شاید هم منظور دنباله روان شیوخ عرب از تساوی حقوق زن این باشد که حقوق زنهای خود شان مساوی است با حقوق مردان دیگر!!!! نمی دانم،

نظر به برداشت من اسلام فلسفه و علم نیست تا بتوان با فلسفه و علم با آن بر خورد نمود ، ، این دین مخصوص فرهنگ مختص تاریخی منطقه ای بیابانی بوده است و فقط آن را می توان با سلاح علم و دانش از طریق افشاء گری ها در مورد متون مروجۀ این دین و افشای تاریخ آغشته به خون آن می توان گنبدیگی های آن را علنی ساخت ، و امروز با تجربیاتی که از روش و عملکرد بنیادی دنباله روان این دین موجود است لازم می افتد تا با بصیرت کامل به آن نگاه ،

تحلیل، و کتافات شانرا افشاء نمود تا از افسون شدن مردم خوش باور توسط این دین جلو گیری شده و چشم بصیرت مردم را روشن ساخت

با ظهور اندیشه های خرافی دینی به نام اسلام ، دینی که سر شار از سکس ، تجاوز جنسی ، و هوسرانی برای مردان مسلمان شده، سیستمی بر جامعه ما حاکم شد که باعث گردید بر علاوه تسلط و کنترل داشتن بر اندیشه های انسانی عملگرد انسانها را هم زیر اداره و تأثیر خود قرار دهد

موجودیت ده ها آیت زن ستیزانه و صد هاحدیث از محمد و اصحاب و خلفا و... فعالیت های همه جانبه ملا گک های وطنی و پابوسان شیخک های عرب همه زمینه انحطاط مادی و معنوی جامعه را مساعد ساخته به وجود آمدن نسل های فاقد تفکر انسانی و علمی را در پی داشت.

اسلام در ابتدای ظهورش انسانها را به دو گروه تقسیم بندی نمود یعنی گروهی حاکم و گروه محکوم !! و قانونی را بر جا گذاشت که در آن مردان بهتر و حاکم و زنان کمتر و محکوم شناخته شوند و این مفکوره را در چوکات بندی های مقدس و هدایت الهی به خاطر تأمین منافع مردانه جاودانه ساخت.

شخصاً محمد خودش مظهر کامل شهوت ، و بی ارزش دانستن زنان است.

محمد بعد از این که از میراث خدیجه مستفید شد و در جمله اغنیا قرار گرفت به کام گیری و شهوترانی، زور گوئیو استبداد عملاً شروع به فرمانروائی و تسکین خواسته های جنسی اش پر داخت و این خواسته ها چنان با اهمیت برایش بود که در جریان ۹ سال با ۱۸ زن عقد شده رسمی به بستر شهوت رفت.

محمد با درایت و تشخیص محرومیت های نسل عرب آن زمان برای مسلمان ها وعده های حور های بهشتی که بعد از هر عمل جنسی دو باره باکره می شوند و در خدمت بهشتیان قرار می گیرند ، و غلمان همه آماده به عمل لواط ، جنگل های سر سبز و سایه های سرد در ختان ، جویبار هائی از شیر و عسل و شراب ، قصر های بهشتی ساخته شده از سنگ های مرمر و عاج همه مردم را به جهاد و کشتار دیگران تشویق و ترغیب نمود.

طرح و وعده چنین نعمت ها برای اعراب بادیه نشین ، محروم از شرایط حد اقل زندگی مرفه ، که در بیابانهای خشک و ریگی زیر حرارت آتشین آفتاب سوزان حیات به سر می بردند ترسیم چنین فضاء و داشتن رؤیائی از چنین موجودات چیزی بدی نبود، اما رسیدن به چنین شرایط و امکان، شروطی داشت که یکی از آنها جلب رضایت خدا و رسول او که محمد بود، می باشد

محمد هم برای اجرای نقشه های سیاسی خود به حملات و تجاوزات به سر زمین های دیگر به نام ترویج دین حق یعنی اسلام در کشتار و چپاول زندگی مردم دیگر مانعی برای خود نمی دید چون می خواست اوامر الله را به جا و دین اسلام را سر تا سری سازد.

روز تا روز بر تعداد اوباشان و چپاولگران در لشکرش افزوده می شد ، و همه خود را در آب و آتش می زدند چون در صورت پیروزی همه مال مردم مورد حمله قرار گرفته به شمول زنان به نام غنائم جنگی متعلق به آنها می شد و هم در صورت کشته شدن شان شهید بوده و به همان جائی می رسیدند که محمد به آنها وعده داده بود ، حد اقل بهتر از وضع زندگی که داشتند بود.

من در همین چند سال زیر عناوین مختلف تا اندازه بر داشت و فهم خودم بدون تعصب و کژ اندیشی در باره اسلام واقعی و شرایطی را که در دنیا به وجود آورده اند نوشته ام و به صد ها سوالی که منبع دینی و قر آنی داشته مطرح نموده ام تا باشد اگر یکی از این عالمان دین با وجدان سالم قلم بر دارند و در دفاع از یکی از موارد انتقاد شده توضیحاتی دهند اما به فرموده انقلابی بزرگ ما (میرویس ودان محمودی) زمین جنبید ولی نجیبید گل محمد !!! و هیچ کسی در این راستا شرافتمندانه اظها ر نظر نگرد، با وجودی که خود شان ادعا می دارند که وظیفه آنها رهنمائی

بشریت گمراه می باشد و هدایت مردم به راه راست ؟ من واضح نوشتم که : اگر فکر می کنند من گمراه شده ام ؟ چرا نمی آیند تا مرا به راه راست هدایت فرمایند؟؟ من هم از این اجتماع و بر خاسته از همین سر زمین غم، رنج، محرومیت و قربان شده هستم، اگر این عالمان دین فکر می کنند من از راه دین دور رفته و برداشت های غلط دارم لطفاً بیایند و مرا دو باره با ارشادات دینی خود به جنت رهنمائی نمایند ؟ و اگر فکر می کنند راست می گویم و آنچه نوشته ام انعکاس حقایق تلخ جامعه اسلامی می باشد پس شرافتمندانه از نمذ اسلامی کلاهی برای خود گیرند و گوشه نشینی اختیار نموده و اضافه تر ازین با عث تخریش ذهنیت های پاک مردم ما نشده و راه هموار کن تسلط استعمار نباشند؟؟ چند نفر از آنها جلو آمدند و با دادن چند فحش و بد بیراه به من و همفکرانم رفتند دنبال کار و کاسبی همیشگی شان !! اما این چیزی نیست که من علیه آن بر خاسته ام ، من و مبارزه ما روشن شدن حقایق است و فعلاً بر پایه های ادیان مخصوصاً قرآن می باشد، به جز همین چند نوشته اخیر که بوی کثافات انباشته شده میان احادیث را بیرون زدیم بقیه تمام نوشته ها بر استدلالات قرآنی می باشد؟؟

خوانندگان عزیز ! معذرت می خواهم از این که از موضوع اصلی دور شدم.

دنباله همان سلسله!

زن و شوهر بهتر است در حیات جنسی هم قصد قربت و کسب رضای خدا را فراموش نکنند. در دین مقدس اسلام ، غذا هم از لحاظ مادی بررسی می شود و هم از لحاظ معنوی ، درست است که غذای حرام تأثیر بدتر در روح و روان فرزند می گذارد ، از این رو بسیار سفارش شده که والدین از غذای حرام و حتی غذای مشکوک پرهیز نمایند ، در اینجا به برخی از این توصیه اشاره می شود :

تلاوت آیه نور توسط والدین ، قبل از بارداری و توسط زن در ایام بارداری ضروری است ، (**شاید غذای حرام را اگر خورده باشند تبدیل به حلال نماید**)؟

خوردن ناک

الف) خوردن ناک توسط پدر ، سبب زیبایی فرزند می شود ،
ب) به زنان باردار ناک بدهید که فرزندان را نیکو و زیبا می کند ،
پ) به زنان باردار ناک بدهید که اخلاق فرزندان را نیکو می کند ،
ت) خوردن ناک مایه قوت قلب ، پاکی معده ، صفای دل ، دلیری و زیبایی بچه می شود ،
ث) ناک قلب را جلا می دهد و دردهای درون را به اذن حق شفا می بخشد،
در کتاب کافی از امام صادق (ع) نقل شده : ایشان در حالی که به کودکی زیبا می نگریست فرمود : باید پدر این پسر بچه ، ناک خورده باشد
همچنین روایت شده است که پیامبر (ع) ناکش را تکه کرد و به جعفر بن ابی طالب داد و به او فرمود : بخور ! همانا ناک رنگ را جلا می دهد و فرزند را نیکو می گرداند ،

خوردن کاسنی

الف) کاسنی برای افزایش فرزند مفید است ،
ب) خوردن کاسنی آب کمر را افزایش داده و فرزند را نیکو و ذکور بودن را در ولد زیاد می کند ،
پ) خوردن کاسنی باعث زیبایی فرزند و ازدیاد در پسر آوردن می شود
ت) زیاد خوردن کاسنی سبب افزایش دارائی و تولد فرزند پسر خواهد شد (**این دین عزیز همه وقته در فکر فرزند است**)

خوردن قاووت به پدر و مادر توصیه شده است؟ (قاووت را از کوبیدن و آسیا کردن نخود پخته با بوره و یا شکر می سازند)

الف) خوردن سوپق توسط والدین موجب قوت در فرزندان و نبودن کودنی و سبک مغزی و نادانی در او می شود (یعنی **ساختمان مغزی طفل را تغییر میدهد**)؟ سوپق در زبان عربی دو معنا دارد: ۱- شراب، می- ۲- آرد بریان شده جو و یا گندم)؟

کُنْدُر

الف) خوردن کندر توسط زن باردار باعث زیادی عقل بچه، باهوش، پاکدل، دانا و شجاع شدن پسر و خوشخو و نیکو شدن دختر می شود، (شیره خوشبو که از درخت کُنْدُر گیرند) در حدیثی آمده است: به زنان حامله کندر بخورانید، بدرستی که طفل در شکم مادر کندر غذای او می شود، دلش محکم و تحملش زیاد می شود.

هدایت پیشوان و عالمان دین در موارد مختلف:

جابر بن عبدالله می فرماید که پیامبر فرمودند: (هنگامی که شب آمد و شامگاهان سپری شد، فرزندان را به خانه برگردانید و هنگامی که ساعتی از شب گذشته آنها را بخوابانید و درهای خانه هایتان را در حالی که نام خداوند را بر آن می آورید ببندید، زیرا شیطان دری را که نام خداوند بر آن آورده شده نمی تواند باز کند و در تنگ و کوزه آب را ببندید و نام خدا را بر آن بیاورید، در ظرف و بشقابهایی را که غذا در داخل آن است ببندید و نام خدا را بر آن بیاورید، و چراغ ها را خاموش کنید)

انس بن مالک از پیامبر روایت کرده که: [اگر انسان از خانه اش بیرون رفت و در عین بیرون رفتن گفت: (بسم الله توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله) (به نام خداوند، توکل کردم بر خدا و هیچ تلاش و کوشش و توانی وجود ندارد مگر با استعانت از خداوند) در این هنگام به او گفته می شود، (توسط کی، چه وقت و به کدام زبان؟؟) هدایت شدی و همین برای تو کافیست که در حفظ و امان خداوند قرار داری و شیطان هم نمی تواند به تو ضرری رساند]

جابر بن عبدالله می فرماید از پیامبر شنیدم که می فرمود: (اگر انسان به خانه اش رفت و نام خداوند را در هنگام داخل شدن به خانه و غذا خوردن آورد، شیطان می گوید که نه جای ماندن و نه غذا برای من دارید، ولی اگر انسان به خانه اش رفت و نام خداوند را هنگام ورود به خانه نیاورد شیطان می گوید که جای ماندن برای خودم پیدا کردم، و اگر انسان هنگام غذا خوردن نام خداوند را نیاورد، شیطان می گوید، جای ماندن و غذا خوردن را برای خود پیدا کردم

هنگام سوار شدن بر الاغ، اسب: (موتر، طیاره و کشتی چه؟)

پیامبر هنگامی سوار الاغی می شد، می فرمود: (بسم الله الحمد لله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنین) (به نام خداوند، سپاس و ستایش برای خداوند، پاک و منزّه، خداوندی که این را برای ما رام و مسخر گردانید و ما توانائی این کار - رام کردن و مسخر کردن - را نداشتیم-

هنگام خواندن قرآن یا نوشتن نامه:

الف- هنگام خواندن قرآن گفته می شود (بسم الله الرحمن الرحيم)، حال چه در نماز باشیم یا نه، به محضی که خواستیم قرآن بخوانیم باید بسم الله را بگوئیم.

ب- هنگام نوشتن نامه و دلیل آن هم این فرموده خداوند است: (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (نمل/۳۰) (آن نامه از جانب سلیمان است و عنوانش با نام خدای بخشنده و مهربان است).

پناه بردن به الله عزوجل به وسیله دعاها و معوذات و ذکرهای مشروعه، از قبیل دعاهاى زیر:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سه بار صبح و سه بار شب خوانده شود (ترمذی، ابوداود، ابن ماجه)،

یعنی «با نام الله، ذاتی که با اسم او هیچ چیز در زمین و آسمان ضرری نمی‌رساند و او شنوای داناست»، خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز فرض و هنگام خواب و صبح و شب، خواندن سوره های اخلاص، فلق، و ناس، سه بار و هنگام خواب، (حاکم) خواندن ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد بار در هر روز (بخاری و مسلم)

«یعنی به جز الله هیچ معبود به حق دیگری نیست، تنهاست و شریکی ندارد و ملک و ستایش از آن اوست، و او بر همه چیز تواناست».

همچنین استمرار و محافظت بر ذکرهای صبح و شب و ذکرهای بعد از نمازهای فرض و قبل از خواب و خوابیدن با آن اذکار، ذکرهای داخل و خارج شدن از منزل و دعای سوار شدن بر سواری، دعای ورود و خروج به مسجد و **دعاهای ورود و خروج به توالت**، دعای دیدن مصیبت بر شخصی و دعاهای دیگر بر حسب احوال و مناسبات و مکان و زمان خاص و محافظت بر تمامی این دعاها می‌باشد.

شکی نیست که محافظت بر این اذکار و دعاها از اسبابی است که **از ابتلا به جادو و چشم خوردن و جن زدگی به اذن و اراده الله عزوجل جلوگیری می‌نماید** و حتی از بهترین درمان‌هایی می‌باشد که بعد از ابتلا به آفات مزبور تجویز می‌گردد).

در صورت امکان خوردن ۷ خرما با شکم خالی هنگام صبح، برای این که پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (هر کس با شکم خالی، ناشتائی هفت خرما بخورد آن روز سم و جادو او را ضرر نمی‌رساند) (بخاری) و اضافه شده که (از خرماى مدینه باشد و از آنچه که بین زمین‌های سنگلاخ است) (مسلم)، و علامه عبدالعزیز بن عبدالله بن می‌گفت: «که در تمامی خرماهای مدینه، این صفت ذکر شده، طبق حدیث زیر دیده می‌شود (هر کس از آنچه بین زمینی که گیاهی در آن نیست هنگام صبح بخورد...) (مسلم) شیخ ابن باز رحمه‌الله فرموده است که این صفت برای کسی که خرماى غیر از خرماى مدینه می‌خورد نیز امید است حاصل گردد.

نظر به این روایت فهمیده می‌شود که چرا دنباله روان شیخک های عرب همه از مکه و مدینه و وسایل موجوده در آنجا صحبت می‌دارند؟

برای رفع جادو

هفت برگ از برگ‌های سدر سبز، با سنگ خوب کوبیده می‌شود، سپس بر روی آن آب ریخته می‌شود به اندازه‌ای که برای شست و شو کافی باشد و بر آن آیه‌ها و سوره‌های زیر خوانده می‌شود: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (بقره / ۲۵۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ» (کافرون / ۱-۶).

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص / ۱-۴).

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»
(فلق / ۱-۵)،

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ
وَ النَّاسِ» (ناس /)

(این همان چهار سوره ای است که بنده زیر نام (چهار قل) تبصره ای داشتیم و در همین پورتال آزادگان به نشر رسیده است.)

بعد از خواندن آیات و سوره‌های مذکور در آب، بیمار از آن آب سه بار می‌نوشد و با بقیه آن غسل می‌کند و به وسیله آن ان شاءالله درد رفع می‌گردد، اگر نیاز شد دو بار یا بیشتر این عمل را انجام دهد تا بیماری به کلی رفع گردد.
(قصه داکتر، شفاخانه و معاینات همه مفت است ؟؟)

بسیاری از مردم دچار (سحر و بیماری) بوده‌اند و الله عزوجل به وسیله اعمال مذکور سلامتی را به آنان باز گردانیده است، برای کسی که از زنش بازداشته شده یعنی تمایل به او ندارد بهترین روش، روش فوق می‌باشد، تعویذات (پناه جستن به الله عزوجل) ورقیه و دعاهای جامع «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ» «۷ مرتبه» (ترمذی و ابوداود) یعنی: از الله بزرگ پروردگار عرش بزرگ می‌خواهم که تو را شفا دهد، مریض دستش را بر موضعی از بدنش که درد می‌کند، قرار می‌دهد و سه بار «بسم الله» می‌گوید، و سپس هفت بار این دعا را می‌خواند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»، (مسلم) یعنی: به الله و قدرتش پناه می‌برم از شر آنچه که احساس (درد) می‌کنم و از آن بیم دارم.

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهَبِ النَّاسِ اشْفِيهِ وَأَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُعَادِرُ سَقَمًا»، (بخاری و مسلم) یعنی: ای الله، پروردگار مردم، این مشکل را رفع کن و شفا بده که تو شفا دهنده هستی، شفائی نیست مگر شفای تو، شفائی بده که ناراحتی نماند.

(أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامِيَةٍ»، (بخاری) یعنی: پناه می‌برم به کلمات کامل الله از شر شیطان و از هر حیوان زهردار و از هر چشم شر (زننده).

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، (مسلم) یعنی: پناه می‌برم به الله و کلمات کامل او از شر آنچه آفریده است، «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضِرُونِ»، (ترمذی و ابوداود) یعنی: پناه می‌برم به الله و کلمات کامل او از غضبش و مجازاتش و از شر بندگان و از وسوسه‌های شیاطین و پناه می‌برم به الله از اینکه شیاطین نزد من بیایند.

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهَا بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبَرًّا وَدَرًّا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَرْجُحُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا دَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ»، (مسند امام احمد) یعنی: پناه می‌برم به الله عزوجل به وسیله همان کلمات کاملش که هیچ نیک و بد نمی‌تواند از آن تجاوز نماید، از بدی آنچه از آسمان فرودمی‌آید و به سوی آن بالا می‌رود، و از بدی آنچه در زمین موجود است و از آن خارج می‌شود، و از بدی فتنه‌های شب و روز، و از بدی آنچه در شب و روز رفت و آمد دارد، مگر چیزی که به قصد خیر می‌آید، ای پروردگار مهربان.

«اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ»

وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ»، (مسلم) یعنی: ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ، پروردگار ما و پروردگار همه چیز، شکافنده دانه و هسته خرما و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، پناه می‌برم به تو از بدی هر چیزی که پیشانی‌ش به دست قدرت توست، تو اول هستی و قبل از تو چیزی نیست و تو آخر هستی و بعد از تو چیزی نمی‌باشد، و تو آشکار هستی و برتر از تو چیزی وجود ندارد، و تو باطن هستی و چیزی غیر از تو وجودی ندارد.

(بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ)، (مسلم) یعنی: به نام الله تو را دم می‌زنم، تا محفوظ شوی از هر آنچه تو را اذیت می‌کند، و از بدی هر نفس و چشم حسود، الله تو را شفا دهد، بنام الله تو را دم می‌زنم.

(بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَشَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ)، (مسلم) یعنی: به نام الله که تو را شفا می‌دهد و از هر دردی تو را شفا می‌دهد و از هر بدی حسود آنگاه که حسد می‌ورزد و از شر هر چشم شور دور کند، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ حَسَدِ حَاسِدٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ»، (ابن ماجه) یعنی: به نام الله تو را دم می‌زنم تا حفظ شوی از هر آنچه که تو را اذیت می‌کند و از حسد حسود و از هر چشم شور، الله تو را شفا دهد. با این معوذات و پناه جستن‌ها به الله عزوجل و دعاها و رقیه به آنها، جادو، چشم‌خوردگی، جن‌زدگی و تمام بیماری‌ها را معالجه می‌کنند، و این ادعیه به اذن الله عزوجل رقیه‌ها و نسخه‌های جامع و نافی می‌باشند.

شکل سوم:

استفراغ به وسیله انگشت نمودن در حلق و حجامت (رگ زدن) عضوی که آثار سحر و جادو در آن ظاهر شده، البته اگر امکان داشته باشد، در صورت غیر ممکن بودن آنچه سابقاً از روش‌های معالجه ذکر گردید، بحمدالله کفایت می‌کند (زادالمعاد).

جهت رفع گرفتاری و وسعت در رزق:

جهت رفع گرفتاری و وسعت در رزق یک هفته روزی ۱۰۰۰ مرتبه این اذکار را بخواند.

شنبه : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

یکشنبه : يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دوشنبه : يَا ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

سه شنبه : يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ

چهارشنبه : يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پنجشنبه : يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

جمعه : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ

برای رهایی از گرفتاری:

هر کس به گرفتاری دچار شود که راه خلاصی از آن نیابد این دعا را مکرر بخواند و اگر در یک مجلس رو به قبله و با وضو ۱۲۹ مرتبه بخواند بهتر است و به تجربه رسیده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا طَيْبُ أَدْرِكْنِي بِطُفْفِكَ الْخَفِيِّ

برای شدائد و سختی ها و زندان:

مرحوم سید بن طاوس می گوید: نوبه العنبری نقل کرده یوسف بن عمر من را بر عملی امر کرد و من از ترس او فرار کردم چون بازگشتم من را حبس کرده و به قدری در زندان سختی کشیدم که حتی یک موی سیاه نیز در سرم باقی نماند، تا آنکه در خواب شخصی را دیدم که می گوید: ای عنبری حبس تو طولانی شد؟ گفتم: بلی گفت سه مرتبه بگو:

أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

این دعائی است مستجاب که شکی در آن نیست و در شدائد و سختی ها و زندان خوانده شود به زودی، زندانی آزاد گردد (گور پدر عفو بین الملل)

عنبری می گوید: از خواب بیدار شدم و آن چه را که در خواب دیدم نوشتم و نماز خواندم و همین دعا را تکرار کردم تا آنکه صبح شد سپس وضو گرفتم و مقداری و نماز صبح را خواندم ناگهان دیدم زندان بان آمد و گفت نوبه عنبری کجاست؟ من نیز خود را معرفی کردم من را با همان غل و زنجیر به نزد یوسف بن عمر بردند من در تمام این مدت آن ذکر را تکرار می کردم.

همین که ابن عمر مرا دید فرمان داد آزادم کنند:

از مرحوم شیخ بهائی نقل است: برای رفع گرفتاری و مشکلی که نمی داند چاره آن چیست در شب جمعه بعد از نماز عشاء بدون آنکه با کسی صحبت کند ۱۰۰۰ مرتبه یا صبور بگوید البته آن مشکل حل خواهد شد

برای هر امر مهم:

هر که را امر مهمی را پیش آید و در آن مضطرب گردد یا قریب الفرج را ۱۰۰۰۰ مرتبه تکرار کند مجرب است و اگرده هزار مرتبه نتواند بعد از نماز صبح ۱۰۰۰ مرتبه بخواند همین اثر را دارد و مهم او کفایت می شود (به ماشین حساب رورت نیست، تسبیح به تنهایی کافیست)

شراب خواری، اشتغال به موسیقی و آلات قمار و غنا

این امور باعث عذاب و از دست رفتن برکت می شود، علی (علیه السلام) فرمودند: ملائکه در خانه ای که در آن شراب یا آلات قمار یا ساز باشد داخل نمی شوند و دعاهاى اهل آن مستجاب نمی شود و برکت از آنها برداشته می شود رسول خدا (صلی الله علیه و اله) فرمودند: چهار چیز است که یکی از آنها داخل هیچ خانه ای نمی شود مگر آن که خراب شود و هرگز برکت ندارد: خیانت در امانت؛ دزدی؛ شراب خواری؛ زنا.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: خانه ای که در آن غنا خوانده می شود، از مصیبت و بلای ناگهانی ایمن نیست و دعا در آن مستجاب و فرشته داخل آن نمی شود.

پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمودند: در امت من فرو رفتن در زمین و سنگباران ظاهر می شود، گفته شد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و اله) چه وقت این طور می شود؟ فرمود: هرگاه آلات موسیقی و خوانندگی زنان و شراب خواری آشکار شود، به خدا قسم! هر آئینه مردمانی از امت من در شب، خوش و سرگرم بازی هستند پس در صبح آن شب، میمون و خوک شده اند، برای آن که حرام خدا را حلال و زنان خواننده را با خود جمع کردند و کار آنها شراب خواری و ربا خواری و پوشیدن حریر است.

چون چهار چیز شایع شود، چهار چیز دیگر پدیدار گردند: چون زنا فاش شود زلزله پدیدار می شود؛ چون حکم به

ناحق گسترش یابد باران بند آید؛ چون پیمان اهل کتاب (یهودیان ، مسیحیان و زردشتیان) شکسته شود و طبق مقررات از آنها نگهداری نشود مشرکان بر مسلمانان غلبه کنند؛ چون زکات دریغ شود نیاز و فقر پدیدار گردد.